

اعلامیه سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

تروریسم اسلامی باردیگر ددمنشی و قساوتش را به نمایش گذاشت

جنایات، ویرانی و کشتار روزمره توسط جنایتکاران اسلامی که با تأسف جز برای قربانیان مستقم آن، برای دیگران به یک امر نسبتاً عادی‌یی در افغانستان تبدیل شده است، باردیگر از جوانان دانشجو قربانی گرفت. در مدت زمان کوتاهی پس از جنایت مرگبار در مرکز آموزشی "کوثر دانش" امروز دانشگاه کابل در قلب شهر آماج حملات تروریستی طالبان و هم پیمانان عقیدتی شان قرار گرفت.

این جنایات‌ها ساده انگارانه تقابل جهل با آگاهی تصور می‌شود. اما واقعیت این است که برخی از رهبران طالبان و حامیان بین‌المللی آن‌ها از سطح سواد بالایی برخوردار اند. فرزندان شان در دانشگاه‌های مطرحی تحصیل می‌نمایند. این جنایات نتیجه جهل آن‌ها نیست. متجلی افکار و افق دید آنهاست. این جنایات ارزش انسان را در تفکرات آن‌ها و در برابر منافع آن‌ها به نمایش می‌گذارد.

نکته قابل مکت دیگر در جنایات، ددمنشی و بربریت نیروهای اسلام سیاسی چه با پرچم طالب، داعش و القاعده و... که کمتر مورد توجه قرار گرفته و می‌گیرد این است که این نیروها فرآورده نظام سرمایه داری و در خدمت تأمین منافع و پیشبرد استراتژی قدرت‌های امپریالیستی هستند؛ اگر این نیروها صرفاً محصول عقب‌ماندگی فرهنگی جوامع و مخاصمات آن‌ها بودند، بی‌خطر کردن و در نهایت شکست شان امر زیاد دشوار و مغلقی نبود. گاهی اوقات که تروریسم اسلامی قلاده می‌گسلد، حریم ولی نعمتان شان را هم در امان نمی‌گذارند. نمونه اخیر آن بریدن سر یک معلم فرانسوی به جرم حق استفاده از آزادی بیان و متعاقباً کشتار انسان‌هایی در نیس فرانسه و کیک کانادا می‌باشد.

زمانی که در تقابل با مهاجمان جنایتکار اسلامی، امانویل میکرون رئیس جمهور فرانسه اعلام می‌کند که فرانسه در جنگ با تروریسم اسلامی قرار دارد و از نزدیکان قربانیان دلجویی می‌نماید، بایست از او پرسید شود که آیا بمباردمان لیبی و سوریه در حمایت بی‌دریغ از جانان اسلامی در آن کشورها را به خاطر می‌آورد؟ میکرون و رهبران "تحصیل‌کرده" جهان سرمایه‌داری و کشورهای "متمدن" غربی، چگونه تناقض دفاع از شهروندان کشورهای خود شان را با حمایت شان از تروریست‌های اسلامی چون طالبان و تحمیل دوباره آن‌ها بر مردم افغانستان که بیشتر از چهل سال در جنایات اسلام گرایان سوخته اند و می‌سوزند، توجیه می‌نمایند؟

جری شدن طالبان بعد از امضای موافقت‌نامه صلح با آمریکا، و کشاندن شان به صحنه جدال بر سر قدرت سیاسی و تعیین تکلیف آینده جامعه افغانستان به هیچ وجه ناشی از درایت و صلابت آن‌ها در امر برنامه ریزی جنایت کارانه آن‌ها نیست. آن‌ها آنگونه که قبلاً به آن اشاره گردید، محصول و فرآورده نظام سرمایه‌داری و قدرت‌های امپریالیستی از جمله امریکا و متحدان آن در منطقه اند؛ بنابراین مسؤولیت مستقیم حملات انتحاری، ویرانی و به یغما بردن زندهگی و جان هزاران انسان به دوش حامیان بین‌المللی طالبان و برنامه ریزان اسلام سیاسی می‌باشد.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان خودش را شریک اندوه عظیم همه قربانیان این حوادث المناک می‌داند و برای خلاصی جامعه از شر نیروهای سیاه ارتجاعی، دولت پوشالی و بربریت نظام سرمایه‌داری هم مانند گذشته به شکل گیری و سازمانیابی قطب سوم نافی این وضعیت پا می‌فشارد و آن را یگانه و معقول‌ترین گزینه می‌پندارد. برپایی دنیای آزاد و برابر که در آن از فقر، ستم و جنگ و تبعیض و نابرابری خبری نیست، فقط با سرنگونی نظام کارمزدی ممکن است و سرمایه‌داری با دستان توانمند برابر ایستای آن، یعنی کارگران متشکل می‌تواند فرو ریزد.

ننگ و نفرین ابدی نثار تروریسم اسلامی و حاکمیت پوشالی

مرگ بر نظام سرمایه‌داری

زنده باد سوسیالیسم

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان